

Analytical study of the necessity of unity and coexistence Peaceful followers of Islamic religions according to the jurisprudential rule of Muslim respect

Ehsan Samani¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Teaching, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: . Esamani63@lihu.usb.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21 November
2022

Received in revised form:
14 December 2022

Accepted: 10 January 2023

Published online:
30 January 2023

ABSTRACT

Unity and empathy among Muslims and their peaceful life together has been and is the concern of all sympathetic Muslim experts, but the debates raised about unity by influential thinkers and even jurists and religious scholars in many cases, in a space Non-jurisprudence and has been formed with a purely social-corrective literature. Looking at this issue and its necessity from a jurisprudential point of view - as opposed to a non-jurisprudential social view for which there is no horizon beyond recommending and praising unity and explaining its necessity - has the capacity to raise the issue of unity and peaceful coexistence at a higher level than recommending and praise in Islamic societies. Especially, the fact that the issue of unification - which is continuously strengthened by the divisions between Islamic sects - has a jurisprudential identity in addition to its religious nature, requires that the issue of unity and peaceful coexistence be raised in a more powerful and effective atmosphere so that it can be ignored. has the views of unification, and according to the analysis and analysis of the issue of unity from the point of view of jurisprudence and exploration to find its jurisprudential ruling (obligation, sanctity, etc.) based on the rule of Muslim respect, he has this position and power.

Keywords:

unity
coexistence
peaceful
Islamic religions

Cite this article: Saman, E (2022). Analytical study of the necessity of unity and coexistence Peaceful followers of Islamic religions according to the jurisprudential rule of Muslim respect .*Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 6 (2), 161-173. DOI: 10.22111/jrm.2023.45130.1116



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2023.45130.1116

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

مطالعه تحلیلی ضرورت وحدت و هم زیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب اسلامی طبق قاعده فقهی احترام مسلمان

احسان سامانی^۱

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: Esamani63@lihu.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	وحدت و همدلی میان مسلمانان و زندگی مسالمت آمیز آنان در کنار یکدیگر، دغدغه همه صاحب نظران دلسوز مسلمان بوده و است اما بحث های مطرح شده درباره وحدت از سوی اندیشمندان اثر گذار و بلکه حتی فقهاء و علمای دینی در بسیاری از موارد، در فضایی غیرفقهی و با ادبیاتی صرفاً اصلاحی- اجتماعی، شکل گرفته است. نگاه به این مسأله و ضرورت آن از منظر فقهی - برخلاف نگاه اجتماعی غیرفقهی که برای آن افقی فراتر از توصیه و تحسین وحدت و تبیین ضرورت آن متصور نیست- این ظرفیت را دارد که مسأله وحدت و هم زیستی مسالمت آمیز را در سطحی بالاتر از توصیه و تحسین در جوامع اسلامی مطرح نماید. خصوصاً برخورداری مسأله وحدت گریزی - که پیوسته از شکاف های میان فرق اسلامی، قوت می گیرد- از هویت فقهی در کنار ماهیت اعتقادی، این ضرورت را ایجاب می نماید که مسأله وحدت و همزیستی مسالمت آمیز در فضایی قدرتمندتر و مؤثرتر مطرح شود تا توان کنار زدن دیدگاههای وحدت گریزانه را داشته باشد و به نظر تحلیل و واکاوی مسأله وحدت از منظر فقه و کنکاش برای یافتن حکم فقهی آن (وجوب، حرمت و ...) بر اساس قاعده احترام مسلمان، از این جایگاه و توان برخوردار است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۳۰	
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۹/۲۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰	
واژه های کلیدی: وحدت، هم زیستی، مسالمت آمیز، مذاهب اسلامی	

استناد: سامانی، احسان (۱۴۰۱). مطالعه تحلیلی ضرورت وحدت و هم زیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب اسلامی طبق قاعده فقهی احترام مسلمان.

DOI: 10.22111/jrm.2023.45130.1116

مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی، ۶ (۲)، ۱۶۱-۱۷۳.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

به همان میزان که همبستگی و انسجام پیروان مذاهب مختلف اسلامی با یکدیگر، مطلوب و محبوب اسلام است، تفرقه‌گرایی و اختلاف، خشم و تنفر خداوند و اولیاء دین را در پی دارد. وحدت و همدلی نه تنها باعث عزت اسلام و مسلمانان شده، و ذلت و شکست دشمنان را به دنبال خواهد داشت که به عبادات و مناسک دینی، نیز معنا و مفهوم می‌بخشد. قرآن کریم تفرقه و تشتت را ویژگی مشرکان دانسته و مسلمانان را از دامن زدن به اختلافات که موجب قرابت و مشابهت آنان با مشرکان می‌شود برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «... وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا.» (روم، ۳۱ و ۳۲) پیامبر اسلام (ص) نیز برادری و اتحاد را ویژگی مؤمنان دانسته و می‌فرماید: «..... الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَى دِمَاؤُهُمْ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص. ۳۵۱). مسلمانان با یکدیگر برادرند و خونشان برابر است، تعهد پست‌ترین آنها به عهده همه است و آنان در مقابل دشمنانشان اتحاد دارند. همچنین امیر مؤمنان امام علی علیه السلام مسلمانان را از تفرقه نهی نموده است و آن را موجب هلاکت و افتادن در دام شیطان دانسته است و می‌فرماید: «... فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّةَ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۵، ص. ۲۸۹)؛ همانا دست خداوند با توده مردم می‌باشد، از تفرقه و تشتت دوری کنید، کسی که از جامعه کنار رود گرفتار شیطان می‌شود، همان طور که گوسفند منفرد از گله نصیب گرگ می‌گردد. همان گونه که روشن است بر اساس آموزه‌های قرآنی و متون روایی و دینی، وحدت، همبستگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و در شرایط کنونی جهان، این اهمیت و ضرورت، دوچندان به نظر می‌رسد. اگرچه برای اثبات ضرورت وحدت مسلمانان، ادله عقلی و نقلی فراوانی وجود دارد اما ما در این نوشتار اهمیت و ضرورت وحدت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان فرق اسلامی را از منظر قاعده فقهی «احترام مسلمان» پی می‌جوییم. بدون تردید استفاده از ادله فقهی برای اثبات ضرورت مباحثی همچون وحدت، حاوی تلاشی ارزشمند برای بارورسازی لایه‌هایی از امکانات نادیده مانده در دل منابع فقهی است که یا اصولاً انکار شده‌اند و یا دست‌کم، موضوع تلاش‌هایی فراتر از ارتکازهای نامرئی کمتر قرار گرفته‌اند.

قاعده احترام مسلمان:

روایات متعددی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است که بر حرمت خون، مال و عرض فرد مسلمان دلالت دارند. همان گونه که برخی اندیشمندان گفته اند (شرف الدین، ۱۳۷۷، ۱، ۱۵) ما می توانیم این دسته از روایات را مبنای فقهی مسأله ضرورت وحدت و هم زیستی مسالمت آمیز میان فرق اسلامی بدانیم و به استناد این روایات، ضرورت وحدت میان مذاهب اسلامی را به اثبات برسانیم. سخن از قاعده احترام را در دو مبحث «مستند روایی قاعده احترام مسلمان»، و «دلالت قاعده احترام مسلمان بر ضرورت وحدت و زندگی مسالمت آمیز»، پی خواهیم گرفت.

مستندات روایی قاعده احترام مسلمان:

روایاتی که بر حرمت جان و مال و عرض مسلمان دلالت دارند به شکل هایی مختلف از حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که در ذیل به آنها اشاره می کنیم:

حضرت رسول (ص): «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَحِلُّ لَهُ دَمُهُ وَ مَالُهُ إِلَّا بِطَبِيبَةٍ مِنْ نَفْسِهِ؛ مسلمان، برادر مسلمان است. جان و مال او جز با رضایت خاطرش حلال نیست». (ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۵، ۳، ص. ۱۸۴)

حضرت امام صادق علیه السلام: «لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَ لَا مَالُهُ إِلَّا بِطَبِيبَةٍ نَفْسِهِ؛ جان و مال مسلمان جز با رضایت خاطرش حلال نیست». (حرعاملی، ۱۴۱۸، ۲، ص. ۵۲۳)

حضرت رسول (ص): «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ؛ خون، مال و آبروی مسلمانان بر همدیگر حرام است». (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص. ۳۲۷)

حضرت رسول (ص): «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يُسْلِمُهُ، وَ مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي حَاجَتِهِ، وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتِ [يَوْمِ الْقِيَامَةِ] وَ مَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ مسلمان، برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و او را [به دشمن] نمی سپارد. اگر کسی در صدد برآوردن نیاز برادرش باشد، خداوند در صدد برآوردن حاجتش برمی آید، اگر کسی گره ای از [مشکلات] مسلمانی را بگشاید، خداوند به موجب آن گره ای از گره های روز قیامت از او باز می گشاید، و هر کس که [عیب] مسلمانی را نهان دارد، خداوند

[نیز] روز قیامت [عیب] او را نهان می دارد». (حلوانی، ۱۴۰۸، ص. ۴۱؛ ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۵، ۱، ص. ۱۲۸)

امام صادق(ع): «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَخْدَعُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَكْذِبُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ؛ مسلمان برادر مسلمان است، چشم و آینه و راهنمای اوست، نسبت به او خیانت و نیرنگ و ستم نکند و او را تکذیب ننماید و از او غیبت نکند». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ص. ۱۶۶)

از آنجا که این دسته از روایات و با این مضمون، به حد تواتر می رسد و در سرتاسر فقه، به مضمون مشترک آنها - که احترام خون، مال و عرض مسلمان است - عمل و تمسک می گردد (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۲، ص. ۹۸؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۱۲، ص. ۳۰۲؛ حائری، ۱۴۱۸، ۱۳، ص. ۴۷۵؛ عاملی، ۱۴۱۲، ۲، ص. ۲۸۹) و همچنین پاره ای از فقهاء برخی از این روایات - مثل روایت المسلم علی المسلم حرام دمه و ماله و عرضه - را نبوی مشهور نامیده اند (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۵، ص. ۱۸) می توان گفت هیچ گونه تردیدی در اعتبار و حجیت قاعده احترام مسلم نیست و نزد شیعه و سنی جایگاهی محکم، متقن و انکارناپذیر را به خود اختصاص داده است. لذا با توجه به شهرت و نیز تواتر معنوی این روایات، نیازی به بررسی سند این روایات نمی باشد.

دلالت قاعده احترام مسلمان بر ضرورت وحدت و زندگی مسالمت آمیز

قاعده احترام مسلمان (حرمت خون، مال و عرض مسلمان) مثل دیگر قواعد فقهی، دارای یک موضوع و یک حکم می باشد. موضوع این قاعده عبارت است از تعدی به خون مسلمان، مال مسلمان و عرض مسلمان، و حکم این قاعده، حرمت (یعنی حرمت تعدی به هر یک از این سه) می باشد. البته این قاعده را به نحو دیگری نیز می توان تبیین نمود و آن این که: احترام جان، مال و عرض مسلمان واجب است. در این صورت، موضوع قاعده مذکور، «احترام جان، مال و عرض مسلمان» و حکم قاعده، «وجوب» خواهد بود. در هر حال، برای بررسی و تحلیل دلالت قاعده احترام مسلم بر ضرورت وحدت و همزیستی مسالمت آمیز پیروان فرق مختلف اسلامی لازم است دو مسأله «قلمرو مفهومی و مصداقی واژه مسلم» و «قلمرو معنایی واژه حرمت مسلم»، تبیین شود.

بررسی قلمرو مفهومی و مصداقی واژه مسلم

دیدگاه مشهور و رایج میان علمای شیعه، این است که واژه «مسلم» هم شیعه و هم سنی را در بر می گیرد. حتی می توان گفت این مسأله از شهرت فراتر رفته و مورد اتفاق نظر و اجماع فقهاء و

علمای شیعه است. لذا برخی علمای شیعه در خصوص این مسأله می گویند: «هذا فی غایة الوضوح من مذهبنا لا یرتاب فیه ذو اعتدال متا؛ این مسأله (شمول واژه مسلم نسبت به شیعه و سنی) در نهایت وضوح از مذهب ماست و صاحب اعتدال از ما در آن تردید روا نمی دارد.» (شرف الدین موسوی، ۱۳۷۷، ۱، ص. ۲۱)

محقق اردبیلی در این خصوص می گوید: و الظاهر انه مسلم ما لم ینکر الضروری أو لم یفعل ما ینخرج به عنه مثل النصب (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱، ص. ۱۷۲)؛ ظاهر این است که سنی، مسلمان است مادام که به انکار ضروری و یا عملی که با انجام آن از اسلام خارج می گردد، همچون نصب (نسبت به امامان علیهم السلام) دست نزند.

مرحوم خویی نیز واژه مسلم را در برگزیده شیعه و سنی دانسته و می گوید: «أن المخالف مسلم محکوم بالطهارة و یترتب علیه ما یترتب علی المسلم من الآثار» (خویی، ۱۴۱۸، ۹، ص. ۲۴۳) سنی، مسلمان و محکوم به طهارت است و آثار مسلم بر آن مترتب می گردد. نجفی نیز ابراز شهادتین را برای تحقق اسلام کافی دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴، ۶، ص. ۵۷) که در نتیجه گستره معنایی واژه مسلم، همه فرق اسلامی را در بر خواهد گرفت.

مرحوم شرف الدین نیز به طور جدی از دیدگاه شمول واژه مسلم نسبت به همه فرق اسلامی، حمایت نموده و حتی با هدف ایجاد و تقویت وحدت میان مسلمانان کتاب ارزشمند «الفصول المهمه فی تألیف الامه» را تألیف کرده است و فصل چهارم از این کتاب را تحت عنوان «السنة کالشیعة یجمعهم الاسلام؛ اسلام، اهل سنت را نیز همانند شیعه در بر می گیرد» نام گذاری نموده است که انعکاس دهنده دیدگاه ایشان در این مسأله می باشد. (شرف الدین موسوی، ۱۳۷۷، ۱، ص. ۲۱)

مستند این دیدگاه روایات معتبر و متواتری است که مدلول آنها، شمول واژه مسلم نسبت به پیروان همه فرق اسلامی است. صاحب جواهر، تواتر روایات این باب را نقل نموده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۶، ص. ۵۹) و مرحوم شرف الدین نیز به جهت کثرت و وضوح، استقصای روایات این باب را توضیح واضحات و منافی حکمت دانسته و لذا فقط به اشاره در این باب اکتفاء نموده است. (شرف الدین موسوی، ۱۳۷۷، ۱، ص. ۲۱) در ذیل برخی از این روایات را بررسی می نماییم.

الف: روایت حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام: «الْإِسْلَامُ مَا ظَهَرَ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ وَ هُوَ الَّذِي عَلَيْهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ مِنَ الْفِرْقِ كُلِّهَا وَ بِهِ حُقِنَتِ الدَّمَاءُ وَ عَلَيْهِ جَرَتِ الْمَوَارِيثُ وَ جَازَ النَّكَاحُ وَ اجْتَمَعُوا عَلَى

الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ فَخَرَجُوا بِذَلِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَأُضِيفُوا إِلَى الْإِيمَانِ؛ اسلام عبارت است از آنچه از قول و فعل ظاهر می شود، و این همانی است که بر آن، جماعتی از مردم از همه فرقه ها هستند و به وسیله آن، خون ها صیانت یافت و بر آن ارث ها، جریان گرفت و توسط آن نکاح جایز شد، آنان بر نماز و زکات و روزه و حج (به وسیله آن) اجتماع یافته اند، پس به واسطه آن از کفر بیرون رفته و به ایمان اضافه شده اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ص. ۲۶)

صاحب جواهر در مقام اثبات کفایت شهادتین برای تحقق اسلام به این روایت استناد نموده و این روایت را یک روایت معتبر دانسته و از آن تعبیر به حسنه حمران نموده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۶، ص. ۵۸) امام خمینی نیز در کتاب الطهارت، واژه مسلم را در برگیرنده شیعه و سنی دانسته است و برای اثبات این حرف به روایت فوق استناد نموده است و از آن تعبیر به حسنه حمران نموده است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۳، ص. ۴۶۶) ایشان در بابی دیگر از این کتاب، می گوید: «و توهّم أن المراد من المسلم فی النصوص و الفتاوی فی تلك الأبواب خصوص الشيعة الاثني عشرية من أفحش التوهّمات؛ این تصور که مراد از مسلم در روایات و فتاوی فقهاء در ابواب فقهی، خصوص شیعه است از فاحش ترین توهّمات است». (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۳، ص. ۳۱۸)

ایشان معتقدند نصوص و فتوایی در ابواب مختلف، دلالت بر اطلاق و شمول واژه مسلم نسبت به اهل سنت دارد لذا مراد از ذبیحه مسلمانان و سوق مسلمان و بلاد مسلمانان، را اعم از شیعه و سنی می دانند و می گویند آگه نگوییم که واژه مسلمان در این موارد، اختصاص به اهل سنت دارد بدون تردید اهل سنت را در بر می گیرد، چرا که در آن زمان ظاهراً برای شیعیان بازاری نبوده است. همانگونه که مراد از اجماع مسلمانان نیز در کتب فقهای امامیه، اعم از شیعه و سنی است. علاوه بر اینکه ارتکاز متشرعه نسل بعد از نسل بر اسلام اهل سنت می باشد. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۳، ص. ۳۱۸)

ب: روایت سفیان بن سمط از امام صادق(ع): «الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ اسلام همان ظاهری است که مردم بر آن هستند، (یعنی) شهادت به این که جز الله هیچ خدایی نیست و محمد فرستاده خداوند است، و بپا داشتن نماز و دادن زکات و حج خانه خدا و روزه گرفتن در ماه رمضان». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ص. ۲۴)

ج: روایت سماعه از امام صادق(ع): «الْإِسْلَامُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ التَّصَدِيقُ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) بِهِ حُقِنَتِ الدَّمَاءُ وَ عَلَيْهِ جَرَتِ الْمَنَاجِحُ وَ الْمَوَارِيثُ وَ عَلَى ظَاهِرِهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ؛ اسلام شهادت به یگانگی خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله است که به سبب آن خونها از ریختن محفوظ می ماند و زناشویی و میراث بر آن اجرا می گردد و جماعت مردم طبق ظاهرش رفتار می کنند». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ص. ۲۵)

همانگونه که روشن است روایات فوق گستره معنایی مسلمان را اعم از شیعه و سنی تعریف نموده اند که این دلالت را از دو طریق می توان فهم کرد:

الف: تعبیری همچون «الاسلام... هو الذی علیه جماعه من الناس من الفرق كلها» و یا «الاسلام هو الظاهر الذی علیه الناس» و نیز «علی ظاهره جماعه الناس» که در این روایات استعمال شده است به وضوح دلالت بر اسلام اهل سنت دارد.

ب: برخی از این روایات، ملاک تحقق اسلام را، گفتن شهادتین (و یا گفتن شهادتین به همراه انجام برخی از فروع دین همچون نماز، روزه، زکات و حج) دانسته اند. بنابراین طبق این روایات اهل سنت و لو اینکه به امامت ائمه علیهم السلام معتقد نیستند اما برخوردار از این ملاک هستند و مشمول گستره معنایی واژه مسلم می باشند. (مبلغی، ۱۳۹۳، ص. ۵)

با بررسی اجمالی کلمات فقهاء در خصوص این مسأله، مشخص می شود که فقهای امامیه، برای اثبات شمول معنایی واژه مسلم نسبت به شیعه و سنی، به هر دو ملاک فوق توجه داشته اند. مرحوم نجفی در کتاب جواهر الکلام به ملاک شهادتین که روایات ذکر شده، اشاره می نماید. (نجفی، ۱۴۰۴، ۶، ص. ۵۸) شیخ انصاری نیز در کتاب مکاسب در خصوص شمول واژه مسلم نسبت به اهل سنت می گوید: «و أما ما دل علی کفر المخالف بواسطة انکار الولاية فهو لا یقاوم بظاهرة، لما دل علی جریان جمیع احکام الاسلام علیهم: من التناکح و التوارث، و حقن الدماء، و عصمة الأموال؛ ادله ای که به سبب انکار ولایت توسط اهل سنت، دلالت بر کفر آنان دارد ظاهراً تاب مقاومت ندارند به جهت وجود ادله ای که بر جریان همه احکام اسلام - همانند ازدواج، ارث بری، حرمت جان و مصونیت اموال و- نسبت به اهل سنت دلالت دارد» (شیخ انصاری، ۱۴۱۰، ۱۰، ص. ۲۷) ایشان در نهایت به همان ملاک نخست استناد نموده و می گوید: «..... و أن الاسلام ما علیه جمهور الناس». (شیخ انصاری، ۱۴۱۰، ۱۰، ص. ۲۷)

مرحوم خوبی نیز در کتاب الموسوعه به هر دو ملاک اشاره نموده و می گوید: «..... ورد فی غیر واحد من الروایات من أن المناطق فی الإسلام و حقن الدماء و التوارث و جواز النکاح إنما هو شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسوله، و هی التي علیها أكثر الناس و علیه فلا یعتبر فی الإسلام غیر الشهادتین؛ در بیش از یک روایت بیان شده که ملاک در اسلام و حرمت خون و ارث بری و جواز ازدواج همانا شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر (ص) می باشد و این همان چیزی است که اکثر مردم بر آن اعتقاد هستند و بنابراین در اسلام غیر از شهادتین شرط نیست». (خوبی، ۱۴۱۸، ۳، ص. ۷۸) امام خمینی و گلپایگانی نیز ملاک شهادتین را مورد توجه قرار دادند و اقرار به آن را برای تحقق اسلام کافی دانسته اند، البته مشروط به اینکه آنچه را مخالف اسلام است اظهار نکنند مثل انکار ضروری دین و (گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص. ۲۴۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۳، ص. ۴۳۷) با توجه به آنچه بیان شد، می توان هر یک از قلمرو مفهومی و مصداقی واژه اسلام را چنین جمع بندی کرد:

الف: قلمرو مفهومی واژه اسلام: در تعریف اسلام می توان گفت که: (إن الاسلام هو الشهادتان). این تعبیر و تعریف در کلمات امام خمینی وارد شده است.

ب: قلمرو مصداقی اسلام: علاوه بر شیعه، سنی نیز در قلمرو مصداقی واژه مسلم جای می گیرد.

بررسی قلمرو معنایی واژه حرمت مسلم

نسبت به معنا و مراد واژه حرمت و یا احترام مسلمان، دو نگاه وجود دارد. طبق نظر بسیاری از فقهاء، حرمت و احترام، دارای گستره معنایی محدود و کم تأثیری است و بدین معنا است که مثلاً نباید دزدی کرد یا نباید مسلمانی را به قتل رساند و بر اساس این دیدگاه، نهایت استفاده از قاعده مذکور، اثبات حرمت مال و جان و آبروی مسلمان است که فقهاء در ابواب مختلف فقهی برای اثبات آن، به این قاعده استناد نمودند و ارتباطی با موضوع بحث ما که اثبات ضرورت وحدت و همزیستی مسالمت آمیز میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی است، نخواهد داشت.

اما بر اساس نگاه دوم که به نظر دقیقتر و جامع تر است این قاعده، پایه و اساس روابط اجتماعی و حقوقی تلقی می شود؛ چرا که این قاعده با شمول سه حوزه جان، مال و آبروی مسلمانان، نقشی مبنایی در تأمین حقوق هر فرد مسلمان داشته و در برگیرنده همه عرصه های حقوقی مربوط به فرد خواهد بود. حرمت و احترام در این نگاه، محدود به صرف عدم تعرض به مال، جان و آبروی مسلمان

نیست؛ بلکه انعکاس دهنده و بیانگر یک تعامل مبتنی بر اصل کرامت انسانی- اسلامی است که تحقق نظم در جامعه اسلامی را به دنبال خواهد داشت. بدون تردید یک جامعه ای که روابط بین افراد آن بر پایه احترام متقابل و عدم تعرض مستقیم و غیر مستقیم به حقوق دیگران، شکل گرفته است، جامعه ای متحد، برخوردار از همزیستی مسالمت آمیز و عاری از تنش خواهد بود. این نگاه، با تأکید بر مسلمان بودن (و نه شیعه یا سنی بودن) به عنوان موضوع قاعده، قدرت و ظرفیت قابل ملاحظه ای را به این قاعده برای گسترش وحدت و همزیستی مسالمت آمیز میان فرق اسلامی بخشیده است، بر خلاف نگاه نخست، که علاوه بر آنکه فقه را از تطبیق کامل و صحیح این قاعده محروم نموده، راه را بر هرگونه برداشت تقریب گرایانه و وحدت خواهانه از آن نیز بسته است. (مبلغی، ۱۳۹۳، ص. ۷۰)

ظاهراً مرحوم شرف الدین در کتاب الفصول المهمه فی تألیف الامه که با هدف ایجاد و تقویت وحدت میان فرق اسلامی نگارش یافته است همین نگاه دوم را به واژه حرمت و احترام مسلمان دارد آنجا که انگیزه خود را از ذکر روایات بیانگر حرمت و احترام جان، مال و آبروی مسلمان، آگاهی بخشی به افراد جاهل و غافل نسبت به خطر تفرقه و انشقاق میان مسلمانان دانسته و می گوید: «اوردناها لینتبه الغافل و یقنع الجاهل و لیعلم ان امر المسلمین لیس کما یزعمه اخوان العصبیه و ابناء الهمجیه و حلفاء الحمیه، حمیه الجاهلیه، الذین شقوا عصا المسلمین و اضرمو نار الفتن بینهم حتی کانوا اوزاعاً و شیعاً یکفر بعضهم بعضاً و یتبرأ بعضهم من بعض من غیر امر یوجب ذلک؛ این روایات - دال بر اینکه هرکس شهادتین بگوید، خون، مال و آبروی او محترم است- را آوردم تا غافل متنبه و جاهل قانع گردد و بداند که امر مسلمانان آن گونه که برادران راه تعصب، تصور کرده اند، نیست... (آنان) که مسلمانان را شعبه شعبه و گروه گروه کرده اند؛ و در نتیجه پاره ای، پاره دیگر را تکفیر می کنند و عده ای از عده دیگر تبری می جویند، بدون اینکه دلیلی بر این رفتار وجود داشته باشد.» (شرف الدین موسوی، ۱۳۷۷، ۱، ص. ۱۵)

نتیجه گیری:

روایات متعددی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است که بر حرمت خون، مال و عرض فرد مسلمان دلالت دارند. به نظر این دسته از روایات را می توان مبنای فقهی مسأله ضرورت وحدت و هم زیستی مسالمت آمیز میان فرق اسلامی بدانیم و به استناد این روایات، ضرورت وحدت میان مذاهب اسلامی را به اثبات برسانیم؛ با این استدلال که بر اساس روایات

معتبر و متواتر، قلمرو و گستره مفهومی واژه مسلم، همه افرادی که اقرار به شهادتین نمایند را شامل می شود و قلمرو مصداقی مسلم نیز علاوه بر شیعه، اهل سنت را بر می گیرد. همچنین این قاعده، با توجه به واژه حرمت، پایه و اساس روابط اجتماعی و حقوقی تلقی می شود و با شمول سه حوزه جان، مال و آبروی مسلمانان، نقشی مبنایی در تأمین حقوق هر فرد مسلمان داشته و در برگیرنده همه عرصه های حقوقی مربوط به فرد خواهد بود. مقصود از حرمت و احترام در این روایات، صرف عدم تعرض به مال، جان و آبروی مسلمان نیست؛ بلکه انعکاس دهنده و بیانگر یک تعامل مبتنی بر اصل کرامت انسانی - اسلامی است که تحقق نظم در جامعه اسلامی را به دنبال خواهد داشت. بدون تردید یک جامعه ای که روابط بین افراد آن بر پایه احترام متقابل و عدم تعرض مستقیم و غیر مستقیم به حقوق دیگران، شکل گرفته است، جامعه ای متحد، برخوردار از هم زیستی مسالمت آمیز و عاری از تنش خواهد بود.

منابع

* قرآن کریم.

- ابن اَبی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*. (چاپ اول)، ۴ جلد، دار سید الشهداء للنشر - قم
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش). *الأمالی (للسدوق)*. (چاپ ششم). ۱ جلد، کتابچی - تهران
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ه ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. (چاپ اول). ۱۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ ه ق). *ریاض المسائل (ط - الحدیثه)*. (چاپ اول) ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران.
- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ ق). *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*. (چاپ اول). ۱ جلد، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف - قم
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ ه ق). *کتاب الطهارة (للإمام الخميني، ط - الحدیثه)*. (چاپ اول). ۴ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران

- خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۸ هـ ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. (چاپ اول). ۳۳ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم - ایران
- دزفولی، مرتضی بن محمد أمين انصاری (۱۴۱۰ هـ ق). *کتاب المکاسب (المحشّی)*. (چاپ سوم). ۱۷ جلد، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، قم - ایران
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش). *الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)*. (چاپ اول). ۳ جلد، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام - قم
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ هـ ق). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحشّی - سلطان العلماء)*. (چاپ اول). ۲ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ هـ ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. (چاپ اول). ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ایران
- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ هـ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد* (چاپ دوم). ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ ق)، منیة المرید. (چاپ اول). ۱ جلد، مکتب الإعلام الإسلامی - قم
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). *الکافی (ط - الإسلامیة)*. (چاپ چهارم). ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران.
- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی (۱۴۱۳ هـ ق). *نتائج الأفكار فی نجاسة الکفار*. (چاپ اول). در یک جلد، دار القرآن الکریم، قم - ایران
- مبلغی، احمد (۱۳۹۳). *مبانی فقهی وحدت اسلامی، مجله الکترونیکی اخوت، بی نا*.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)* (چاپ دوم). ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت
- موسوی، السید عبد الحسين شرف الدین (۱۳۷۷ هـ ق). *الفصول المهمة فی تألیف الأئمة، مؤسسه البعثة، اول، بیروت - لبنان*
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ ق). *خواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (چاپ هفتم). ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ه ق). مستند الشیعه فی أحكام الشریعه (چاپ اول). ۱۹.
جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران